

### باز هم درباره نشریه "حکمت"

سهند کشاورز

نشریه "حکمت" قرار است منعکس کننده آراء و نظرات و ارگان تئوریک جریان فکری - اجتماعی حکمتیسم باشد. اما پیش از شروع این پروژه - و یا کلا پروژه هایی از این دست - باید اهداف و آماج هایی را که قرار است به سوی آنها نشانه گیری شود تعریف نمود ، طرق و شیوه های فعالیت در قالب پروژه را برای رسیدن به آن اهداف مشخص کرد ، جایگاه این پروژه را در استراتژی کلی یک جریان نشان داد ، توقعاتی را که انتظار می رود آن پروژه برآورده نماید ، تشریح نمود و آنگاه به سازماندهی عملی نیروها و صرف انرژی و وقت حول این گره گاه ها پرداخت تا نیروی صرف شده بدون اتلاف و هرز روی در مسیر درست کانالیزه شوند و خواسته های مورد انتظار را تامین نماید. در غیر این صورت این برنامه ها یا در اواسط کار نیمه تمام رها می شوند و یا در صورت تداوم ، نفس خود فعالیت و ارائه مرتب آن بدون توجه به محتوا و نقشی که عملا در راستای اهداف مورد نظر و پیشبرد استراتژی جریان بازی می کنند به هدفی در خود بدل می شوند. این نکات و کلیات البته از "بدیهیات" است، بدیهیاتی که گاهی اوقات از فرط بدیهی بودن مورد غفلت قرار می گیرند.

فکر نمی کنم لازم باشد در مورد درکی که در سنت ما از "تئوری" و جایگاه و اهمیت آن وجود دارد توضیح مفصلی ارائه دهم. به طور مختصر مطلب این است که در جنبشی که ما به آن تعلق داریم یعنی کمونیسم کارگری، تئوری و جنبش یا تئوری و پراتیک قابل تفکیک به عرصه های قائم بذات نیستند. اینها سطوح مختلف ابراز وجود یک حرکت اجتماعی واحدند. تئوری و مبارزه تئوریک برای مارکسیسم اهمیت تعیین کننده ای دارد. برای ما مارکسیسم ابزار نقد است. ابزار شناختن عمیق ترین مصائبی است که نوع بشر به طور عام و کارگر به طور اخص در این جهان تجربه می کند. ابزار کسب یک خود آگاهی عمیق اجتماعی و تاریخی برای کارگر و درک امکاناتی است که برای تحول

جامعه وجود دارد. حکمتیسم باید یک جریان قدرتمند فکری در جامعه باشد و یک صف آرای فکری قدرتمند در مقابل آراء حاکم بر جامعه به وجود آورد. این همان جایگاهی است که در آن تئوری بار دیگر ه یک سلاح برنده در مبارزه طبقاتی بدل می شود: به ادعا نامه ای افشاگرانه، روشن، شفاف و قابل درکی از جامعه موجود و مکانیسمهای به ظاهر پیچیده آن و نیروی مادی ای در جامعه که ذهنیت کارگر در جهان معاصر را شکل خواهد داد. حکمتیسم باید به ما چارچوبی را بدهد که بر مبنای آن یک تعرض فکری وسیع را شروع کنیم چه در برابر گرایشات و تمایلات فکری بنیادی بورژوازی، نظیر لیبرالیسم، دموکراسی، ناسیونالیسم، اومانیسم، سوسیال دموکراسی و غیره، و چه در مقابل جریانات دیگر "چپ" در معنای گسترده آن نظیر مائوئیسم، تروتسکیسم، سوسیالیسم روسی و یا چپ نو.

الزام به "کار تئوریک" و پرداختن به تئوری و تعریف یک پروژه مشخص بدین منظور (نظیر همین نشریه "حکمت" و یا انجمن مارکس - حکمت) دقیقاً در همین جا یعنی اهمیت و جایگاه خاص و مشخص "تئوری" در نقشه عمل یک جریان اجتماعی یا یک حزب ریشه دارد. تجربه نشان داده است که کار تئوریک را اصولاً نمی شود به شیوه بوروکراتیک و یا صدور بخشنامه سازمان داد. اما می توان با بستر سازی، تأکید بر اهمیت همیشگی آن، تشویق صفوف حزب به فعالیت در این راستا به خصوص توجه ویژه به امر آموزش کادرهای حزب (به طور مشخص از طریق تاسیس مدرسه حزبی) به این "نیاز" ("دقت کنید "نیاز" و نه کار جانبی) پاسخ داد و حزب را به محل تجمع و تشکل تعداد زیادی استراتژیست و تئوریسین برجسته تبدیل کرد. این مسئله به خصوص با توجه به اهمیتی که "کادر" مسلط و آموزش دیده در تصویر مورد نظر ما از یک حزب کمونیستی توده ای و اجتماعی و مدرن ایفا می کند، اهمیتی مضاعف می یابد. منصور حکمت در بحث "حزب و جامعه" به این مسئله اشاره می کند و از لزوم وجود "یک ستون فقرات کمونیستی متعهد" برای حزب صحبت می کند که یکی از ضامنهای اصلی کمونیستی ماندن حزب در عین گسترش و توده ای شدن پایگاه اجتماعی اش است. از "لایه کادری" که "این حزب را هدایت میکنند، باز تولید میکنند، به مسائلش میرسد، رشدش میدهد. کسانی که تمام نقشه را دارند، تمام بحث را دارند. انتهای افق را ببینند و تعهد تئوریکی تعلق فکری و آرمانی شان قوی و کامل باشد. این یک بعد وظایف ماست که نباید فراموش شود. بحث سر اینست که ما ۵۰۰ هزار عضو می خواهیم و برای اینکار به دو هزار کادر قوی کمونیست احتیاج داریم و باید اینها را در این حزب بار بیاوریم. .."

رفیق کوروش مدرسی نیز در نوشته ای به نام "اولویتها و جهت گیریها" که در آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۸۲) به نگارش در آمده و پلاتفرمی برای رهبری وقت حکک است، در موارد ۱۶ و ۱۷ بر این نکات تأکید می کند:

۱۶- جدی گرفتن آموزش اعضا و کادرها. راه اندازی مکانیسمهای آموزشی در تشکیلات و روتین کردن آن. دامن زدن به فعل و انفعال فکری و تئوریک در حزب و کمک به نهادهائی

نظیر انجمن مارکس-حکمت. تلاش برای شکل دادن به یک شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در حزب.

۱۷- ایفای نقش حزب بعنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم در سطح بین‌المللی از طریق دخالت در کشمکش‌های سیاسی و فکری رادیکالیسم در حال عروج در جهان و همچنین قابل دسترس کردن نوشته‌های منصور حکمت به زبانهای مختلف و بویژه به انگلیسی و عربی (در هماهنگی با حزب کمونیست کارگری عراق و بنیاد منصور حکمت). پروژه نشریه "حکمت" اساسا در این بستر یعنی شرکت و دخالت در کشمکشها و عناوین و جدالهای مطرح فکری و استراتژیک مطرح و عمده در سطح ایران و جهان و جهت دهی به آنها معنی می یابد.

اما برای درک ارتباط وجوه مختلف فعالیت یک نشریه تئوریک این قسمت از نوشته ای که منصور حکمت در مورد "به سوی سوسیالیسم" نگاشته است، مفید و راهگشا به نظر می رسد:

"...در مباحثات مربوط به روشهای عملی کمونیستی در کنگره اول، موضوع نشریات سراسری و سنت های کمونیستی در انتشار اینگونه نشریات طرح و بحث شد. نکات مشخصی در این بحثها برجسته شد و بصورت رهنمودهایی در برابر ما قرار گرفت. اول اینکه نشریات سراسری، اعم از تئوریک و سیاسی، از ابزارهای اصلی امر رهبری هستند و باید چه توسط رهبران و چه توسط عموم رفقای سازمانی به این عنوان در نظر گرفته شوند. نشریه تئوریک در جنبش پوپولیستی عموماً نشریه‌ای آموزشی و یا "توجیهی" تلقی می‌شده است. گویی هیات تحریریه "دانا" از این طریق معلومات خود را بصورت افساط معین منظم‌ا در اختیار اعضا و هواداران سازمان قرار میدهد و کار خوانندگان هم صرفا مطالعه و فهم دقیق این آموزشها و ارتقاء آگاهی تئوریک خوداست. آموزش فعالین کمونیست بدون شک یک وجه از وظایف نشریه تئوریک کمونیستی هست، اما محور کار آن نیست. و یا بعبارت بهتر، آموزش فردی و ارتقاء آگاهی سیاسی افراد درک محدودی از آموزش کمونیستی است. وظیفه نشریه تئوریک تحلیل و نقد معضلات مشخصی است که بر سر راه حرکت و تکامل جنبش کمونیستی قرار گرفته است. نشریه باید آینده‌نگر باشد، کمونیست‌ها را با موانعی که بر سر راهشان قرار گرفته است آشنا کند، اذهان فعالین را حول این مسائل گرهی متمرکز کند و به هر حوزه و فعال کمونیست تصویری عمومی از موقعیت عینی و عوامل ذهنی مؤثر در فعالیت کمونیستی را بشناساند. کار نشریه تئوریک نیز مانند نشریه سیاسی، هدایت کردن و هماهنگ کردن است. هیچ خصوصیت کار کمونیستی غیر سیاسی نیست. حتی آموزش کمونیستی آموزش سیاسی برای پیشبرد مبارزه است. مبارزه‌ای که در هر مقطع معین بر علیه موانع مشخص پیشروی جنبش طبقاتی صورت میگیرد. بنابراین خواننده مورد

نظری یک نشریه تئوریک کمونیستی و حزبی، خواننده‌ای است که میکوشد با مطالعه نشریه دورنمای عمومی و عمل تئوریک مسائل مشخص فعالیت کمونیستی را بشناسد و در امر رفع موانع پیشروی و پیروزی، قاطعانه‌تر و با استحکام نظری بیشتری عمل کند. اگر نشریه تئوریک نتواند چنین ابزاری باشد، و اگر تشکیلات کمونیستی نتواند به نشریه تئوریک چنین نقش و جایگاهی بدهد، آنگاه ما عملاً در این زمینه به روش آکادمیستی در غلطیده‌ایم... ( در باره موازین کار "به سوی سوسیالیسم" - سرمقاله به سوی سوسیالیسم شماره ۵ - منصور حکمت )

علاوه بر این تولد نشریه "حکمت" به دنبال تحولات و انشعاب ایجاد شده در ح ک ک و شکل‌گیری رسمی جریان حکمتیسم و ح ک ک - حکمتیست روی داد و این وظیفه مضاعفی را بر روی دوش نشریه "حکمت" قرار می‌دهد و آن چیزی نیست جز تبیین، بسط، فرمولیزه کردن و جا انداختن جوانب مختلف جریان فکری - اجتماعی حکمتیسم. به طور کلی ایجاد و معرفی یک جریان فکری - اجتماعی خاص نظیر حکمتیسم وظایف و مشغله‌ها و ویرسشهای گوناگونی را در مقابل بنیانگذاران این جریان قرار می‌دهد نظیر توضیح این مطلب که تفاوت ما با شاخه‌های دیگر مارکسیسم به طور عام و جریانات مختلف چپ ایران به طور خاص و گرایش‌های مختلف در داخل سنت کمونیسم کارگری به طور ویژه تر چیست؟ جریان حکمتیسم قرار است با چه عناوین و اصول متمایزی شناخته شود؟ در این راستا ما باید بتوانیم تبیین منسجم و فرمولیزه‌ای از ابعاد گوناگون حکمتیسم ارائه دهیم و کوهی از ادبیات در این زمینه تولید نماییم تا بتوانیم خود را به عنوان یک ترند معتبر، شناخته شده و شناسنامه دار فکری - اجتماعی در سطح ایران، حاورمیان و جهان معرفی و تثبیت نماییم و این وظیفه‌ای است که مستقیماً در حیطة وظائف پروژه‌هایی نظیر "حکمت" قرار می‌گیرد.

درست است که مارکسیسم مذهب نیست و مارکس هم قدیس یا پیغمبر نیست که جواب همه چیز را داده باشد و جنبش کمونیستی در سیر پیشروی خود و با تغییر اوضاع جامعه با مسائل یا موقعیت‌هایی روبرو میشود که از قبل جوابی به آنها داده نشده است یا جواب‌های داده شده دیگر کافی نیستند یا حتی درست نیستند. مثلاً مسئله پایه‌گذاری یک حزب سیاسی کمونیستی و سازماندهی یک انقلاب، ساختمان سوسیالیسم، امپریالیسم، مسئله ملی، دمکراسی و غیره و لنینیسم یا حکمتیسم اشاره به پاسخ‌ها و مسائلی دارد که لنین یا منصور حکمت به این گونه مسائل داده‌اند - مسائلی که مارکس در مورد آنها بحثی نکرده یا بحثش کاملاً روشن نیست و یا تفسیرهای متفاوتی از آنها وجود دارد و یا اوضاع عوض شده و پاسخ مارکس دیگر کافی یا درست نیست - وبه این اعتبار ما میتوانیم از درافزوده‌های لنین یا حکمت به مارکسیسم صحبت کنیم اما اکتفا کردن به همین حد از توضیحات و مثلاً اینکه حکمتیسم ریشه در تز ۱۱ مارکس در مورد فوئر باخ دارد و یا در ذیل سنت و ورژن لنینی مارکسیسم قرار می‌گیرد ابداً کافی نیست و ما باید علائق بر مبانی عمومی و

کلان در تیتراژها و موضوعاتی هر چه ریزتر و جزئی تر دقیق شویم و تفاوتها و وجوه هویتی خود را در تمایز با سایر گرایشات چپ در تمام عرصه ها به دقت و وضوح و تفصیل برای مخاطبانمان و جامعه توضیح دهیم. لازم به ذکر است که صرف ترجمه و توزیع آثار منصور حکمت که خود بعضا فرصت بسط و تکمیل آنها را نیافت نیز به هیچ عنوان کافی نیست و تثبیت موقعیت خودمان به عنوان یک ترند معتبر جز با کار خلاقانه بر مبنای نگرشهای حکمت و امتداد و بسط آنها میسر نیست.

با لحاظ کردن این نکات اعضا و کادرهای حزب به خصوص آنها که از توان تئوریک بالاتری برخوردارند باید وارد میدان شوند. باید کیفیت و وزن مقالات منتشره در "حکمت" را بالا برد، از چاپ نوشته های مربوط به مسائل و حوادث روزمره سیاسی اجتناب کرد و توان نشریه را معطوف به مسادل بنیادی و پایه ای نمود. ، نشریه را در فواصل زمانی معین و مرتب منتشر نمود و به اعتقاد من برای آن یک بخش "ترجمه" نیز تدارک دید. درست است که اکثر جریانات چپ و کمونیست در جهان یا اساسا در سنت ما قرار نمی گیرند و حرف چندان برای ارائه در جهان پس از جنگ سرد ندارند اما در بین نظریه پردازان چپ در عرصه جهانی بعضا متفکرینی وجود دارند که از یا برخی از جوانب اندیشه آنان قابل توجه و حتی ارزشمند می باشد و یا آشنایی با اندیشه های آنان برای ورود به جدالها و مباحث مطرح و به روز چپ در دنیا و دخالت در آنها لازم می باشد.

امید است با توجه به این مسائل ، نشریه "حکمت" به نشریه ای بدل شود که هر شماره آن نظیر نشریه "به سوی سوسیالیسم" در دوران حزب کمونیست ایران ، موج جدید ایجاد کند و فضاهای تازه بگشاید ، به بحثهای جدی دامن بزند ، حرفهای جدید برای گفتن داشته باشد و با هر تکانش حرکت و سطح و کیفیت مباحث را چند گام به جلو براند و به عنوان تریبون آراء و نظریات حکمتیستی در برگیرنده و بازتاب دهنده آن تعرض مجدد فکری - اجتماعی کمونیستی در دوران پس از جنگ سرد باشد که منصور حکمت در سخنرانیهای "مبنای کمونیسم کارگری" در انجمن مارکس ، ایجاد و تدارک آن را از وظایف اصلی کمونیسم کارگری در دنیای معاصر - جهان پس از جنگ سرد - دانسته بود.